

مردم منطقه نقل کردند که وقتی طالبان وارد شدند نیروهای مقاومت فرار کردند و به دوردست هارفتند و دیگر هیچ درگیری جدی رخ نداد

کردند! البته به سرعت معلوم شد که این اخبار دروغ بوده‌اند و عکس مذکور هم مربوط به دختری است که خانواده خود را سال‌ها قبل در بمباران آمریکایی‌ها از دست داده است و چیزی به نام خرید و فروش دختران و جهاد نکاح اساساً وجود خارجی نداشته است! ولی خب معمولاً جوابیه دروغ‌ها به گوش مخاطبان اندکی می‌رسد!

با گذشت حدود یک ماه از درگیری‌های پنجشیر، کم‌کم پای خبرنگاران به این منطقه باز شد. تیمی از خبرنگاران ایرانی از روزنامه فرهیختگان و خبرگزاری تسنیم تا خبرنگاران مستقلی چون جواد موگویی در این منطقه حضور پیدا کردند. گزارش‌های آنها نشان می‌داد هیچ جنگ گسترده‌ای در آن منطقه رخ نداد و هیچ حمله هوایی خارجی که وزارت خارجه ما هم آن را بشدت محکوم کرده بود اتفاق نیفتاده است! عبارتی آثار درگیری جدی و جنگ خونین و حتی فروش دختران و... وجود نداشت! مردم منطقه نقل کردند که وقتی طالبان وارد شدند نیروهای مقاومت فرار کردند و به دوردست هارفتند و دیگر هیچ درگیری جدی رخ نداد.

حالا چند هفته بود که گزارشات جعفریان نیز به صورت صوتی یا صرفاً با عکس‌هایی از وسط کوه‌ها صورت می‌گرفت و به یکباره روایتی از پنجشیر که احساسات همه مردم را بشدت تحت تأثیر قرار داده بود فرو ریخت! برخی بخاطر نفرت از طالبان، حاضر نشدند به دروغ بودن آن گزارشات که معمولاً از منابع دروغگوی خارجی نقل می‌شد اذعان کنند ولی برخی به فریبی که خورده بودند اذعان کردند یا اقلأً از آن به بعد سکوت را درباره جبهه مقاومت ترجیح دادند. هم‌زمان تصاویر و خبرهای احمد مسعود از تاجیکستان و ایران مخابره شد که تعجب همه را برانگیخت چرا که گفته می‌شد او در کنار یاران مظلوم خود در کوه‌ها به جنگ مشغول است.

بتدریج تصاویر دیدارهای او با سران تاجیکستان، برخی مسئولان نظامی و امنیتی فرانسه و امریکا و... منتشر شد. اخبار مربوط به جنگ دیگر از این منطقه به گوش نمی‌رسید و برای همه واضح شده بود که آنچه تاکنون درباره قدرت نظامی این جبهه گفته شده دارای اغراق فراوان بوده است.

چند ماه بعد جمهوری اسلامی ایران برای مصالحه میان این جبهه با سران طالبان پادرمیانی کرد و جلساتی را در تهران برگزار نمود. همه معتقد بودند که جنگ فایده‌ای ندارد و فقط مشکلات را بیشتر خواهد کرد ولی شروطی نیز برای صلح داشتند. البته طالبان که مشخصاً دست برتر نظامی را آشکارا از آن خود کرده بود، مجبور نبود به این مذاکرات و شروط آنها اهمیت جدی بدهد چرا که فشارهای جریان مقاومت برای او عملاً تهدیدی جدی محسوب نمی‌شد!

تاجیکستان که می‌توان گفت تنها قدرت منطقه‌ای حامی احمد مسعود بود نیز آنقدر جرأت نداشت که به طور عملی وارد حمایت نظامی از جبهه مقاومت شود چرا که از قدرت طالبان در قبال کشور کوچک خود خبر داشت و همچنین روسیه، به او علناً درباره دخالت نظامی تذکر داده بود و می‌دانست که وقتی ایران و روسیه از گزینه نظامی حمایت نکنند به تنهایی راه به جایی نخواهد برد. برای همه روشن بود که در شرایط کنونی افغانستان، هیچ آمیدی به دخالت نظامی داخلی و خارجی وجود ندارد و تعامل با واقعیت کنونی آن تنها گزینه است.

گرچه جبهه مقاومت هم چنان تحرکات نظامی خود را حفظ کرد و گاه و بیگاه اخباری نیز از جبهه‌های خود در پنجشیر یا ضربات نظامی محدود به نیروهای طالبان در شهرهای دیگر